

## درگیری روس‌ها با غرب در گرجستان و موقعیت ایران

سرویس گرجستان/خبرگزاری آران

نصرت الله تاجیک

در سه سال اخیر، تنش روزافزون در حوزه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران بدون قصد ورود به محتوا و بررسی علل و عوامل دخیل در آن، باید به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور باید همراه برای سیاست خارجی خود، راه‌های برون‌رفت را به صورت لحظه‌ای و استفاده سریع از فرصت‌هایی که تحولات منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آورد، بازتولید کند. آنچه مهم است خلأ بارز نبودن تعریف درست منافع ملی و تدوین راه‌های مناسب رسیدن به آن و تجزیه و تحلیل درست تحولات به عنوان یکی از عوامل جدی در کنترل و فایق آمدن به علل و عوامل تنش‌زایی بین‌المللی برای ایران با کشورهای قدرتمند و تأثیرگذار صحنه بین‌المللی است. در این زمینه برآورد درست از اوضاع پیرامونی توسط سیاستگذاران و دستگاه عامل سیاست خارجی، ضروری است. «منافع ملی» مفهوم اساسی سیاست خارجی است و ساختاری ایستا و جامد ندارد، بلکه دارای سرشتی نامعین، میزانی از تداوم، و ارتباطی با اقدام سیاسی است(1).

تداوم سیکل گونه موضوع انرژی هسته‌ای بین ایران و غرب پس از صدور سه قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با اذعان کامل و قطعی به حق استفاده صلح آمیز کشور از دستاوردهای تحقیقات هسته‌ای و آگاهی به زورگویی و ستیز غرب برای جلوگیری از شکل‌گیری و رشد دانش بومی، هرچند به اعتماد بیشتری به خودباوری نیروهای داخلی انجامیده، ولی از طرفی باعث تحمیل هزینه سنگینی به ایران در اثر وضع تحریم‌های بین‌المللی و مستهلک کردن توان علمی، اقتصادی، صنعتی ایران و به دنبال آن، ایجاد مشکلات اجتماعی در دراز مدت خواهد شد.

از سوی دیگر، حضور نظامی بی سابقه نیروهای خارجی در عراق و افغانستان به صورت فعال و کشورهای حاشیه‌ای برای حضور درازمدت‌تر به صورت احداث پایگاه‌های استراتژیک برای تحرکات آتی، می‌تواند به تنش‌های گسترده‌تر در منطقه تبدیل شود. دو حوزه عمده تأمین انرژی جهان در خلیج فارس و حوزه خزر از جمله این نقاط ژئواستراتژیک هستند. در پرتو این تحولات، دور جدیدی از رقابت تسلیحاتی و خرید تجهیزات پیشرفته آغاز می‌شود که به نوبه خود، به دامنه رقابت‌های تسلیحاتی درون منطقه‌ای می‌افزاید و بوجهه‌های متفاوتی از سرمایه‌های درون منطقه‌ای به سمت کشورهای غربی سرازیر می‌شود.

از سوی دیگر، حضور بیشتر، وسیع‌تر و بلا منازع نیروهای غربی به منظور حمایت از کشورهایی را که با آنها روابط نظامی و تسلیحاتی دارند، در برابر تهدیدات فرضی یک قدرت برتر تسلیحاتی و هسته‌ای که تبلیغ کرده‌اند، موجه نموده و هرگونه ایده و طرح همکاری‌های درون منطقه‌ای با حضور جمهوری اسلامی ایران را با مشکل روبه‌رو کرده و حتی محال می‌سازد. برای همین، گزینه‌ای با دو مؤلفه منطقه‌ای و بین‌المللی برای کم کردن زبان‌های حاصل از روند مذکور فراروی سیاستگذاران قرار دارد:

- 1- مناسبترین سازوکار منطقه‌ای برای پیشگیری از دخالت‌های بیشتر نظامی آمریکا و غرب و استقرار و حفظ صلح و امنیت پایدار در منطقه، استقرار امنیت در عراق و افغانستان و همکاری جدی همه همسایگان این دو کشور در تحقق این امر است. هرچند دولت عراق تا حدی توانسته بر اوضاع مسلط شود، ولی شرایط افغانستان روبه وخامت است.
- 2- در حوزه روابط بین‌الملل با استفاده از روش تحلیل ژئوپلیتیکی تحولات منطقه‌ای، مجموعه‌ای از عناصر به هم پیوسته که باعث ایجاد زنجیره‌ای از تحولات پی در پی دیگر خواهد شد، شکل می‌گیرد. توجه به این سلسله تحولات و استفاده از آنها برای طراحی یک استراتژی امری ضروری است.

موقعیت قفقاز:

منطقه قفقاز به طور اعم و کشورهای درون آن به طور اخص دارای ویژگی‌های مهمی همچون اهمیت ژئواستراتژیک منطقه، کسب حمایت قدرت خارجی و تشدید رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از جمله آمریکا و غرب برای وابسته کردن این کشورها به خود و استفاده از حضور خویش در این کشورها برای مهار روس‌ها و حساسیت زیاد روسیه به این استراتژی و مرزبندی قومی و سیاسی قفقاز را می‌توان دلایل اساسی و مشترک همه درگیری‌ها و مناقشات قفقاز دانست و این آتش زیر خاکستر همچنان فعال است. منطقه اوستیای جنوبی در شمال گرجستان قرار داشته و دنباله آن جمهوری خود مختار اوستیای شمالی فدراسیون روسیه است. مساحت این منطقه بالغ بر 3900 کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال 2007 حدود هفتاد هزار نفر است که از این تعداد، 45 هزار نفر اوستیایی، هفده هزار نفر گرجی و هشت هزار نفر بقیه روس و ارمنی هستند. دین مردم این منطقه مسیحی است که تعدادی مسلمانان نیز در این منطقه زندگی می‌کنند و 70 درصد از ساکنان آن تابعیت روسی دریافت کرده‌اند. این منطقه در دوره شوروی به ناحیه‌ای صنعتی - کشاورزی تبدیل شده بود. مردم این منطقه، به سبب تعلق به اقوام آریایی خود را ایرون می‌نامند؛ بنابراین، هویت تاریخی بیشتر ساکنان اوستیای جنوبی، ایرانی است.(2)

بدبینی و درگیری روسیه و گرجستان به همان زمان استقلال گرجستان از شوروی برمی‌گردد. عمده این تنش‌ها ریشه در گرایش شدید گرجستان به غرب و بدبینی مسکو به تفلیس دارد. در حالی که مردم گرجستان خواهان سیاست متوازن‌تری هستند و کاهش محبوبیت رئیس‌جمهور این کشور بیانگر این ادعاست. گرجستان برای رسیدن به ناتو به کشوری فرمانبر در برابر غرب و آمریکا تبدیل شده است که افزایش حضور نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در گرجستان و خدمت صدها سرباز گرجی در کنار اشغالگران آمریکایی در عراق و افغانستان و استرداد سریع یک تبعه ایرانی به آمریکا برای محاکمه تنها نمونه‌هایی از وابستگی شدید گرجستان به آمریکا است؛ موضوعی که به هیچ وجه خوشایند روسیه نیست. روس‌ها از گرایش شدید گرجستان به غرب ناخرسند و این امر با توجه به حجم سرمایه‌گذاری تسلیحاتی و نظامی غرب در این کشور به خوبی نیت واقعی غرب و آمریکا برای مهار روسیه و به احتمال بسیار زیاد و حسب شواهد پشتیبانی تدارکاتی جنگ احتمالی علیه ایران را آشکار می‌کند.

روس‌ها مترصد چنین فرصتی بودند تا با کوچکترین اشتباه گرجی‌ها حرکت خود را آغاز کنند. استراتژی روس‌ها بنا بر برآورد موقعیت برتر خود بر غرب در توازن قدرت از جهت توان

اقتصادی، حاکمیت بر منابع انرژی مورد مصرف اروپا و از سوی دیگر درگیری غرب در عراق و افغانستان و محدود بودن گزینه‌های آنها برای برخورد با روسیه، ناشی می‌شد. هرچند هدف اصلی و دراز مدت روس‌ها کمک به کسب استقلال اوستیا و آبخازیاست که روسها در این راه گام نهاده و عقب‌نشینی نخواهند کرد. ولی در کوتاه مدت نیز این حرکت روس‌ها برای هشدار به کشورهایی که می‌خواهند خود را به ناتو وصل کنند و نیز حامیان غربی آنان است. هرچند غربی‌ها چنین تبلیغ می‌کنند که این حرکت روس‌ها باعث تسریع در افتادن کشورهای دیگر منطقه به دامن غرب شده است، ولی سیر وقایع به خوبی نشان می‌دهد که چنین کشورهایی نظیر اوکراین از قبل تلاش زیادی برای پیوستن به ناتو داشتند ولی هم‌اکنون همین حرکت گرجستان را که آن پروسه را نیز به هم زد، اگر شماتت نکنند، تأیید هم نمی‌کنند.

این اشتباه محاسبه گرجی‌ها که به استقلال اوستیا انجامیده است با تداوم حضور نظامی روس‌ها در این منطقه در واکنش به استقلال کوزوو به پایان خواهد رسید، ولی این پایین ماجرا نیست، بلکه چنین امری دیگر کشورهای قفقاز همچون آذربایجان و ارمنستان را نیز متأثر ساخته است. با تحقق استقلال اوستیا، موقعیت آذربایجان در گروه مینسک تضعیف خواهد شد، زیرا پس از استقلال کوزوو و به فاصله کوتاهی این امر محقق شده است و برای همین شاید دولت آذربایجان به هیچ عنوان راضی به این تحولات نیست، ولی کارتی نیز برای بازی ندارد. ارمنستان نیز حاضر شد در راستای حل مشکلات خود با ترکیه قدم بردارد، اما تأثیرات بحران گرجستان تنها محدود به حوزه قفقاز نمی‌شود از قفقاز تا خاورمیانه و تا کارایبب کاملاً آشکار است که درخت بحران گرجستان به بار نشسته و در حال گسترش است، هرچند برخی از تحولات می‌تواند ناشی از علایم گمراه کننده بازیگران صحنه باشد که برای یکدیگر سیگنال غلط می‌فرستند.

ترکیه که عضو ناتو و همسایه گرجستان است، به نمایندگی از اردوگاه غرب تلاش می‌کند تا در غیاب یک اقدام عملی از سوی غرب در مقابل روسیه که رئیس‌جمهور گرجستان با اشتباه محاسبه خود در آن گام نهاده بود، دوباره ثبات در قفقاز برقرار شود، ولی اهرمی برای تأثیرگذاری ندارد. آنها نهایتاً به دنبال تشکیل پیمانی متشکل از روسیه، ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان هستند و همین طرح است که عبدالله گل رئیس‌جمهور این کشور را به سفر به ارمنستان، دشمن تاریخی این کشور واداشت، ولی بعید است حاصلی عملی در بر داشته باشد. کشورهای جدا شده قفقازی از شوروی آنقدر از روس‌ها وحشت دارند که نمی‌توانند در کنار آن در یک اتحادیه به سر ببرند. به هر صورت، دو ابر قدرت کاملاً در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند.

به دنبال اعزام ناوگان دریایی آمریکا به دریای سیاه که حساسیت روس‌ها را برانگیخت، روسیه نیز یکی از بزرگترین ناوهای جنگی خود را که با سوخت هسته‌ای کار می‌کند، به همراه چند ناوگان کوچک به کارایبب می‌فرستد تا در یک مانور دریایی مشترک با ونزویلا شرکت کنند. نیکاراگوئه نیز دومین کشوری است که از این منطقه و در حیط خلوت آمریکا، اقدام به شناسایی استقلال اوستیا و آبخازیا کرده است. یکی از اثرات این بحران در خاورمیانه نیز نزدیک کردن سوریه به روسیه بود که بردی برای سیاست خارجی سوریه محسوب می‌شود، این کشور از همان ابتدا به دفاع از روسیه پرداخت و از این کشور حمایت کرد. در مقابل، روسها نیز فقط به ارسال علایم هشدار دهنده به غرب بسنده نکرده و انتخاب فروش سلاح‌های پیشرفته به سوریه را برای خود بازگذاشته‌اند. این یکی از قویترین کارت‌های بازی روسها در مقابل آمریکا است و این همان چیزی است که رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن سوریه در این منطقه از آن هراس داشت که ادامه روابط نظامی‌اش با گرجستان ممکن است روسیه را به فروش سلاح‌های پیشرفته به سوریه و ایران ترغیب کند.

#### جمع‌بندی:

به نظر می‌رسد تمام این تحولات، پیش زمینه‌های نمایش داستان جنگ سرد جدیدی است با ویژگی‌های خاص خودش. مهم آن است که بتوان با بینشی واقع‌بینانه قوانین حاکم بر این روند جدید را کشف و بر اساس این ویژگی‌ها استراتژی جدیدی برای تعامل صحیح با مسائل منطقه‌ای و جهانی تنظیم و اجرا کرد. هرچند بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که هدف اصلی روسیه از این تحولات، تحکیم موقعیت خود در منطقه است نه از سرگیری تنش‌های گسترده در جهان ولی در مقابل پاره‌ای از مفسران نیز معتقدند که روسیه در شرایط کنونی از جهت سیاسی اقتصادی دست بالا را در صحنه بین‌المللی دارد و برای همین، حاضر نیست به راحتی آنچه را که به دست آورده از دست بدهد. ضمناً باید توجه داشته باشیم که یکی از مهمترین ویژگی‌های تحولات ژئوپلیتیکی آن است که بهمن‌وار عمل می‌کند. ممکن است شروع آن در اختیار کشورهای محدودی باشد، ولی پایان آن بسیار پیچیده‌تر است. شواهد موجود از سرازیر شدن تسلیحات روسی به خاورمیانه دو پیام دارد. نخست آن که روس‌ها می‌خواهند میخها را در نقاط ضعف آمریکا فرو کنند (بررسی انگیزه‌های این امر فرصتی دیگر می‌طلبد). دوم روسها نمی‌خواهند روند گذشته را با غربی ادامه دهند و به نظر می‌رسد آنها از حالت دفاعی در مقابل غرب خارج شده و قصد دارند به جای درگیری مستقیم با غرب، در نقاط ضعف آنها از طریق کسانی که خود منافع مستقیم در تحولات منطقه دارند، برخورد کنند. آنها دریافته‌اند که به جای آن‌که نظاره‌گر تحولات باشند و آمریکا و غرب را در کشورهای همسایه خود پذیرایی کند. بهتر است به نقاط آسیب‌پذیر آنها برود. یعنی هر گونه جنگ احتمالی آتی در خاورمیانه شاهد استفاده از تسلیحاتی است که قبلاً در اختیار نیروهای مخالف غرب و رژیم صهیونیستی نبوده است (3).

این تحولات از تمام جهات به نفع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، ولی این پارادایمی است که نیاز به تحرک صحیح و جهت‌گیری مناسب سیاست خارجی ایران دارد تا منافع عایدان شود. به عبارت صحیح‌تر باید این منافع بالقوه را با روش مناسبی به منافع بالفعل و سپس پایدار تبدیل کرد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتمندترین بازیگر منطقه‌ای که دارای یکی از اثرگذارترین عناصر در معادلات چند جانبه روابط پیچیده حاکمیت ملی، چهارچوبه منطقه‌ای و جامعه بین‌المللی تلقی می‌شود. باید با توجه به مسئولیت سنگین خود، تبیین پویا و دقیقی از مفاهیمی چون امنیت و منافع ملی داشته باشد و با اعمال خود پیام‌های روشنی به کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی ارسال نماید. فقدان استراتژی و نیز نحوه برقراری گفت‌وگو و تعامل فعال و صحیح با محیط پیرامونی تبعات منفی دراز مدتی بر سیاست خارجی و تحولات منطقه‌ای و داخلی به دنبال دارد. مورد اخیر علاوه بر ایجاد تنش بین‌المللی باعث اثرات تخریبی دراز مدتی بر مسائل اجتماعی و اقتصادی داخل هر کشور شده و تبعات جبران‌ناپذیری در روابط منطقه‌ای که در آینده جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های خارجی هر کشور خواهد داشت، به جای می‌گذارد.

با توجه به آنچه برشمرده شد، پرسش این است که جمهوری اسلامی ایران در کجا ایستاده و چگونه به این تحولات نگاه می‌کند؟ کی و چگونه می‌خواهد این میوه‌ها را بچیند؟ غرب منفعل است، رژیم صهیونیستی خود را باخته، کشورهای منطقه که در هنگام فشار غرب بر ایران در پرونده هسته‌ای ساز خودشان را به ضرر ایران می‌نواختند، الآن مشکل دارند. باید بررسی کرد که ما چه منافع استراتژیکی در گرجستان داریم؟ آیا اصلاً منافع داریم یا با وضعیتی که گرجستان از جهت حکومت و سیاست دارد و با توجه به نفوذ غرب و

به ویژه رژیم صهیونیستی در این کشور چگونه می‌توان در این قضیه بیشترین بهره‌برداری را نمود. موضع ما در قبال روسیه در این زمینه چیست؟ آیا صرفاً به همان جملات یکی به نعل و یکی به میخ و سپس تکذیب سخنگوی وزارت امور خارجه بسنده شده است؟ البته ممکن است روسیه در این قضیه نیازی به ما نداشته باشد، ولی با بررسی جوانب گوناگون و آنچه در بالا مذکور افتاد، باید بررسی شود که استقلال اوستیا و آبخازیا چه ضرر یا منفعتی برای ما دارد؟ آیا فارغ از مبحث روسیه این تحولات منافی برای جمهوری اسلامی ایران به غیر از سرگرم شدن غرب با روسیه و فراموشی موقتی مسأله هسته‌ای دارد؟ البته مبحث باز است و این وجیزه‌ای است برای تفکر و مشارکت در بحث. خوب است اساتید محترم، کارشناسان منطقه و تحلیلگرانی که به موضوع اشراف دارند، موضوع را از جوانب گوناگون نگاه و بحث کنند. همه امور را نباید فقط به دولت واگذار کرد و یا از دولت انتظار داشت. دیپلماسی رسانه‌ای اگر تأثیرش از دیپلماسی سنتی بیشتر نباشد، کمتر نیست. از طریق باز کردن بحث‌های جدید هم می‌توان زمینه خلاقیت را فراهم کرد و هم افکار عمومی را تهییج کرد تا دیپلماسی رسمی نیز به حرکت درآمده و تکلیف خود را با جهت‌گیری‌های مورد انتظار مردم همسو کند. حتی شروع چنین بحث‌هایی چه شکل عملی به خود بگیرد یا نه، فی‌الغالب دارای برکاتی برای جمهوری اسلامی است!

پی‌نوشت‌ها:

- 1- فرانکل، جوزف. روابط بین‌الملل در جهان متغییر، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1370.
- 2- گلی، حسن. نگاهی گذرا بر جنگ جدید در قفقاز
- 3- مرمل، عماد. روزنامه السفير.